

## کیس آسانز

### استخوانی در گلوی دموکراسی غربی

فواد عبداللہی

آخرین جلسه‌ی دادگاه عالی جولیان آسانز، بنیانگذار سایت «ویکی‌لیکس»، در لندن برگزار شد و قرار است رای نهایی به استرداد یا عدم استرداد وی به آمریکا در اوایل ماه مارس آینده صادر شود. همزمان نیز تظاهرات گسترده‌ای علیه این دادگاه در لندن و در چندین شهر اروپایی از جمله برلین، پاریس، بارسلون، میلان و ناپل، برای دفاع از آزادی آسانز به وقوع پیوست. بر خلاف تبلیغات رسانه‌های اصلی که همیشه در راس ماشین دروغ پراکنی دولت‌های غربی هستند، اما آسانز بعنوان یک ژورنالیست تحقیقی و خلاف جریان، جنایات جنگی دولت آمریکا در افغانستان و عراق را بدون سانسور، افشا کرده و در اختیار شهروندان جهان قرار داده است. گناه آسانز افشاء جنایات مرتکب شده توسط دولت آمریکا است که صدها هزار غیر نظامی از جمله ۶۶ هزار شهروند در عراق را کشته است.

وی همچنین بخشی از دیپلماسی پشت پرده دولت اسرائیل پیرامون غزه را در سال ۲۰۱۰ میلادی رو کرد و نشان داد که چگونه رئیس اطلاعات نظامی اسرائیل، درست چند روز قبل از بیرون راندن حکومت خودگردان فلسطینی از غزه و سر کار آمدن حماس در سال ۲۰۰۷ به دیپلمات‌های آمریکایی گفته است که کشورش خوشنود است که حماس قدرت را در نوار غزه به دست گیرد، چرا که ظهور حماس در غزه به نفع دولت اسرائیل است زیرا به ارتش اسرائیل این امکان را خواهد داد که با غزه به عنوان یک دشمن متخاصم برخورد کند.

آسانز از زمان ربوده شدنش توسط دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی دولت بریتانیا از سفارت اکوادور، و پس از ناکام ماندن طرح ترورش از جانب سازمان سیا، اکنون به مدت پنج سال در زندان مخوف «بلمارش» واقع در جنوب شرقی لندن محبوس شده است و در طی این مدت دولت آمریکا و انگلیس از هیچ توطئه‌ای برای سر به نیست کردن وی فروگذار نکرده‌اند. افتضاحی که امروز دولت آمریکا و اکثریت قریب به اتفاق دولت‌های غربی بعنوان الگوهای پیشرفته «دموکراسی غربی» در کل جهان بار آورده‌اند و حاضر به پاسخگویی نیستند، نیاز زیادی به افشاگری ندارد. بخشی از این افشاگری مدیون تلاش‌های سابق آسانز و ژونالیسم خلاف جریان است که امروز به بیداری شهروندان در جوامع غربی کمک کرده است و اصول و اخلاقیات «دموکراسی غربی» را بی‌آبرو کرده است. کیست که نداند سی میلیون آواره جنگی در خاورمیانه از آغاز حمله ارتش آمریکا و متحدینش به افغانستان تا نسل‌کشی گسترده‌ای که امروز توسط دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین در غزه اعمال می‌شود، محصول کدام نظم حاکم بر جهان است. ... صفحه ۲

-کارگران همان متحد شما!

## هشت مارس در ایران،

### جنبش انقلابی که یک روز آتش بس نداده است

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

«انتخابات» در جهانی که زیر دست و پای مشت‌های گانگستر ضدبشری، که در سراسر جهان بر مسند ریاست قدرت در گوشه و کنار جهان نشسته‌اند، به منجلابی غیر قابل زیست تبدیل شده است! جهانی که میلیونها و میلیاردها بشر کره خاکی تحت سلطه قدرت‌هایی که اطلاق وحوش به آنها ارفاق عظیمی است، هر روز و هر لحظه زندگی میکنند!

در جهانی که سی سال است میلیونها انسان بی گناه، تنها و تنها برای حفظ ریاست آمریکا بر مسند ریاست جهان، زیر لگد میلیتاریسم و بمبارانها و محاصره‌های اقتصادی و به گرسنگی کشاندن قربانی می‌شوند، جهانی که در آن نژادپرستی، قوم پرستی و مذهب، این محصولات فصلی و موسمی بورژوازی غرب، رنگ خود را به سراسر جهان زده است و در آن بایدن‌ها و ترامپ‌ها و نانیاها و خامنه‌ای‌ها، اردوگانها و بن سلمان‌ها، قرار است چهارچوب‌های «حق و باطل»‌های زندگی بشر را تعیین کنند! ... صفحه ۲

## کتاب «جنبش چپ در ایران و کردستان،

مصاحبه با آذر مدرسی»

منتشر شد!

## چگونه فولاد آبدیده شد!

«به کارگران صنایع فولاد»



مظفر محمدی

تولید فولاد در ایران یکی از صنایع بزرگ معادل نفت و پتروشیمی‌ها و خودروسازی‌ها است. در ایران امروز بیش از یکصد کارخانه تولید فولاد وجود دارد و کار می‌کند. از بزرگ‌ترین کارخانه‌ی فولاد مبارکه‌ی اصفهان و ذوب آهن با تولید سالانه حدود ده میلیون تن تا مجتمع فولاد خوزستان سالانه نزدیک چهار میلیون تن. اکنون تولید سالانه‌ی فولاد در همه‌ی کارخانه‌ها به مرز ۳۰ میلیون تن در سال رسیده است. رشد تولید فولاد در سال ۲۰۲۰ در ایران رده‌ی دهم تولید فولاد جهان را داشته است...

سوال این است که در همه‌ی این چرخه‌ی آبدیدگی فولاد، طبقه کارگر هم در کنار کوره‌های داغ حجم عظیم فولادی که خود تولید می‌کند هم، آبدیده شده است؟ آیا شروع اعتصاب مکرر کارگران فولاد اهواز، جزئی از این چرخه است که کارگران را آبدیده می‌کند؟ قبل از پاسخ به این سوال، بیش از ۸۰ هزار کارگر شاغل کنونی صنایع فولاد در ایران باید متوجه این موضوع مهم باشند، سرنوشت این صنعت بزرگ که معیشت ده‌ها هزار خانواده‌ی کارگری به آن وابسته است چه می‌شود؟ یکی از کارگران فولاد، می‌گوید: «تا پایان سال ۱۴۰۰ شمسی دست کم ۱۱۰ شرکت کوچک تر فعال در زمینه صنایع فولاد در بخش خصوصی تعطیل و صد هزار کارگر مستقیم و غیر مستقیم این شرکت‌ها بیکار شده‌اند. و این یعنی به صورت تقریبی زندگی بیش از ۳۰۰ هزار نفر (کارگران و خانواده‌هایشان) آسیب دیده‌اند. آینده‌ی وضعیت تولید هم به این شکل اسف‌بار است.»

فعالین کارگری این عرصه می‌گویند: «دوره‌های تاریک صنایع فولاد دلایل زیادی دارد از جمله: کمبود قطعات یدکی و تکنولوژی کهنه‌ی ناکارآمد در این زمینه، ... صفحه ۳

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

یک جنبش مقاومت جهانی، از خاورمیانه و ایران تا آمریکا و انگلستان و سراسر جهان، برای پایان نهادن به این سرنوشت نوشته شده توسط اقلیتی انگلی، مفتخور و استثمارگر برای اکثریتی کارکن و مولد، برافه افتاده است!

در جهانی که در مقابل چشمان حیرت زده جهانیان، در غزه قتل عام و نسل کشی غیرقابل توصیفی برافه انداخته اند و کسی در میان کلوپ این گانگسترها، از مدافعین تا «مخالفین سرسخت» این نسل کشی، نه میل و نه توان توقف حمام خون در غزه را دارد! چرا که «منافع اقتصادی» و «توازن قوا» قطب های رقابت ها و جدال هایشان است!

در جهانی که در آن، در کشورهای چون ایران، در قالب یکی از نیروهای «مطرح» و از «باز یگران» و «میوه چینان» حمام های خونی که توسط «سروان» جهانی بورژوازی، برافه افتاده است، حق انسان و حق زن، آزادی عمل انسان و آزادی عمل زن، از آزادی عمل حشرات کمتر است! گردانهای این جنبش جهانی زمین را زیر پای حاکمیت به لرزه در آورده اند.

این جنبش جهانی امروز حول همدردی با قربانیان بیشمار و میلیونی در فلسطین، دیروز حول شور و شوق انقلاب زنانه در ایران، و کمی پیش از آن حول حق کارگر در ایران و خواست «اداره شورایی»، حول حق زندگی سیاهان در جنبش «زندگی سیاهان مهم است» یا بهار عربی و انقلابات مصر و تونس، و تحرک های کارگری، سکولاریستی، تریکخواهانه غیرقومی و غیرمذهبی در خاورمیانه شکل گرفت.

یکی از گردان های عظیم و پیشرو این جنبش جهانی، جنبش انقلابی زنان در ایران است که حتی یک روز هم به دشمنان اش در قدرت آتش بس نداده است! اگر هشت مارس امسال در ایران، همچون همه سالها موضوعیت دارد، این وجه از قدرت آن است! قدرتی که نباید اجازه داد به بهانه هیچ بحران و فاجعه جهانی، زیر دست و پای مشتی فرصت طلب و «نان به نرخ روز خور» در عالم سیاست، انکار شود و تضعیف شود!

ایران، یکی از کانون های قدرتمند جنبشهای مترقی و آزادخواهانه جهان، و یکی از کانون های جنبش سوسیالیستی است! جامعه ای که در تمام طول حیات ارتجاع اسلامی بر بالای سرش، حتی یک روز هم به موقعیت خفت باری که به نیمی از جامعه، یعنی زنان، از نوزادی تا سالمندی و مرگ تحمیل کردند، نه رضایت داد و نه با هیچ سرکوبی به آن تسلیم شد! نه جنگ ایران و عراق، نه دشمنی و دوستی با آمریکا و روسیه و اروپا، نه میلیتاریسم و نه ترور یسم، نه خطر جنگ و تحریم و نه تلاش های مضحک باندهای اصلاح طلب درون حکومتی، نه تلاش در منزوی و حاشیه

ای کردن آن تحت نام «میهن» و «آبادی» نه تلاش برای ایجاد تفرقه های قومی و مذهبی و ... هیچیک قادر به عقب زدن این جنبش نشده است!

جامعه ای که در آن پس از خیزش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»، زنان و جوانان، ورق را برگرداندند! جنبش حق زن از موقعیت دفاعی به موقعیت تعرضی شیفت کرد! نه تنها حجاب و همه ارزش های کثیف اسلامی که مجازات «بی حجابی» را لگد مال کرد و حق تعرض به اسلام، مذهب، سنت، عقب ماندگی و نابرابری را مجاز کرد!

امروز کسی جلو دار تعرض زنان به حجاب و قوانین آپارتاید جنسی نیست! کسی جلودار تعرض همگانی جامعه علیه اسلام و خرافه دین و دستگاه مافیای مساجد و گله آخوند ها و جنبش برای رفاه همگانی، نیست! جنبش اجتماعی میلیونی که دو سال پیش برای حق زن در ایران قد علم کرد و جهانی را، از خاورمیانه تا اروپا و آمریکا و سراسر جهان گرد خود به تحرک درآورد، نه تنها هنوز زنده است که سنگرهای مهمی را به بهای زیادی، بدست آورده است! در هشت مارس امسال، باید این دستاوردها را مرور کرد، و از این سکوی بلند، برای پیشروی های بیشتر، اندیشید!

در جامعه ایران کارگر معترضی که ابتدایی ترین حق خود را میخواهد به شلاق میکشند، زنان و کودکان دختر طبقه مولد را به تن فروشی و خانواده های کارگری را به کار کودکان، اعتیاد و گورخوابی محکوم میکنند. در این جامعه زنان و دختران را حتی از ابتدایی ترین رفتار فردی، لباس و شادی محروم میکنند. در چنین جامعه ای به روشنی جنبش برای حق زن را به جنبش علیه سلطه اسلام بر ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و به جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر برای خلاصی از استثمار و بهره کشی اقلیتی انگلی از اکثریتی مولد، گره زده است.

«خطر» سرنگونی جمهوری اسلامی، خطری که قدرت حاکم حس میکند، به خاطر درهم تنیدگی این دو جنبش و قدرت است!

به حکم رویدادهای چند سال اخیر، و عقب نشینی های سیاسی و ایدئولوژیکی که طبقه کارگر و جنبش حق زن به قدرت حاکم تحمیل کرده است، رهایی زن در ایران، عملا و رسماً به جنبش طبقه کارگر برای رهایی از انقیاد و پردگی مزدی، گره خورد است!

هشت مارس امسال، جنبش حق زن، میتواند نه تنها پیشروی هایش را جشن بگیرد، یاد جانباختگان خود را گرمای بدارد، که سازو کار تعرض های بیشتر را تدارک ببیند و برای تسخیر سنگر های بیشتر و پیروزی نهایی، خود را مهیا کند.

حزب حکمتیست(خط رسمی)

۳ اسفند ۱۴۰۲ - ۲۳ فوریه ۲۰۲۴

## فدراسیون کارگران بخش حمل و نقل آبی هندوستان

فدراسیون کارگران بخش حمل و نقل آبی هندوستان، که بیش از سه هزار و پانصد کارگر در یازده بندر مهم کشور را نمایندگی می کند، تصمیم گرفته است که از بارگیری یا تخلیه بار مهمات از اسرائیل یا هر کشور دیگری که ممکن است تجهیزات نظامی برای تهاجم به فلسطین ارسال کند، خودداری کند. ما کارگران بندر به عنوان بخشی از اتحادیه های کارگری همیشه علیه جنگ و کشتن افراد بی گناه و زنان و کودکان می ایستیم. حمله ای اخیر اسرائیل به غزه هزاران نفر از مردم فلسطین را دچار درد و رنج عظیمی کرده است. زنان و کودکان در این جنگ تکه تکه شده اند، طوری که والدین از شناسایی

اجساد فرزندان شان، که در بمباران های پیوسته کشته شده اند، عاجز مانده اند. در این برهه حساس، کارگران اتحادیه ای ما جمعا تصمیم گرفته اند که از بارگیری هر نوع تسلیحات امتناع کنند. بارگیری و تخلیه ای این تسلیحات موجب کمک به ارگان هایی می شود که می توانند افراد بی گناه را به قتل برسانند. بنابراین این، ما، کارگران بنادر و اسکله های هندوستان از چندین بندر مهم، فعال در بخش مربوط به محموله ها، به همه اعضای فراخوان می دهیم که دیگر به هیچ کشتی ای که حامل تجهیزات نظامی به فلسطین/اسرائیل است خدمات ارائه ندهند. ما همچنین خواستار آتش بس فوری هستیم. به عنوان اتحادیه های کارگری مسئول، از همه کسانی که برای صلح کارزار می کنند حمایت می کنیم. از تمام کارگران جهان و مردم صلح دوست می خواهیم که در کنار آرمان فلسطین آزاد بایستند.

دبیر کل

تی. نارندرا رائو

کیس آسانژ ...

کدام شهروند در جوامع غربی دیگر گول تبلیغات رسانه های جنگی و بلندگوهای تولید خرافات و دروغ پراکنی دولت های بوژوازی را می خورد و باورش می شود که مسئول فلاکت و حمله مستقیم به سطح رفاه مردم، مسئول تحمیل ریاضت اقتصادی کمرشکن، بی خانمانی، بیکاری وسیع، اعتیاد و فحشا، نه دولت های فاسد موجود در همین جوامع که مردم جنگ زده و قربانی در عراق، سوریه، افغانستان، اوکراین و کودکان و زنان مثله شده غزه است. کیست که نداند قانون، دادگاه و سیستم قضایی در متاخرترین شیوه حاکمیت دمکراسی بوژوازی در غرب، نه فقط مستقل نیست و هیچ ارگان و مسئول دولتی را مجازات و پاسخگو نمی کند بلکه یکسره در خدمت حفظ موقعیت طبقه حاکم و مشتی فاسد و جنایتکار دولتی متعلق به این طبقه، در برابر خیل شهروندان بی حقوق از آزادی و نعمات زندگی است.

به مدد ویکی لیکس و آسانژ بشریت به سطحی از بیداری رسیده است که دیگر قابل سرکوب نیست. یک جنبش جهانی در اعتراض به قانون، ایدئولوژی و اخلاقیات بوژوازی و دولت های آن بویژه در جوامع غربی شکل گرفته است که هر روز به بهانه ای ورق را به نفع خود برمی گرداند.

یک روز به بهانه قتل جورج فلویید توسط دستگاه پلیس آمریکا، تمام مجسمه ها و نمادهای بردگی و حقارت در تاریخ بشر را پایین می کشد، روز دیگر، به بهانه قتل مهسا امینی در ایران، تمام مقدسات ضد زن را به آتش می کشد و امر رهایی زن و برابری را به صدر مطالبات جهانی بشریت می کشد، و امروز به بهانه نسل کشی

در غزه، خواهان مجازات تک تک سران دولت های غربی به عنوان حامیان تاریخی فاشیسم نوساخته در اسرائیل است. این جنبش به وسعت جهان است و در همین مقیاس هم هزاران آسانژ از خود بیرون داده و روی سکو نشانده است و بازگشت به دوران سیاه «نظم نوین جهانی» و یکه تازی نظامی را ناممکن کرده است.

دیگر هیچ درجه ای از سانسور، تفتیش عقاید، تنبیه، بازجویی و شکنجه رهبران و فعالین این جنبش جهانی قادر به مهار عروج دوباره حقیقت و مبارزه برای رفاه، برابری، عدالت، امنیت، آزادی و خوشبختی بشر نیست. شکست سیاسی، اخلاقی و ایدئولوژیکی نظام سرمایه داری حاکم بر جهان امروز با قمار تخریب خاور یانه، جنگ در اوکراین، نسل کشی در غزه و شکنجه و استرداد آسانژ و آسانژها و با بستن دهان شهروندان جبران نمی شود. توطئه استرداد و ربودن جولیان آسانژ تا هم اکنون به یک شکست استراتژیکی دیگر برای دولت آمریکا و «دمکراسی غربی» مدعی آزادی بیان در غرب انجامیده است. مدت هاست مرکز ثقل جنگ دولت های غربی، داخل مرزها است و رهبران خوشنام مردمی هدف گرفته شده اند. این دیگر یک جنگ مستقیم و بی سپر علیه شهروندان «خودی» در زمین غرب است.

کیس آسانژ، نه فقط حمله مستقیم و بی حائل به حقوق و آزادی های اجتماعی و سیاسی شهروندان در جوامع غربی است که صف بی ابهام بشریت در برابر نظام کاپیتالیستی را فشرده تر می کند. بدون شک آسانژ جایگاه ویژه ای در تاریخ مبارزه بشر متمدن برای امکان تغییرات اساسی در راستای منافع اکثریت شهروندان دارد. آنان که از همین امروز برای خشکاندن منجلاب کاپیتالیسم مبارزه می کنند، بی تردید نام و صفت درخوری در کنار توحش قرون وسطی بر این نظام خواهند گذاشت.

## کتاب «جنبش چپ در ایران و کردستان، مصاحبه با آذر مدرسی» منتشر شد

کتاب «جنبش چپ در ایران و کردستان» مصاحبه ای است که بیژن کریمی، از کردستان عراق، در سال ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰ با رفیق آذر مدرسی، دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)، انجام داده است. در این مصاحبه به وضعیت جنبش کارگری، تا سال ۲۰۱۹، وضعیت نیروهای موسم به چپ در ایران و کردستان، با تمرکز بر تاریخ جنبش کمونیسم کارگری، پرداخته شده است.

همچنین برخی از اسناد مهم حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران و حزب حکمتیست (خط رسمی) که در مصاحبه به آنها اشاره شده است ضمیمه کتاب است.

مصاحبه به زبان فارسی انجام شده و سپس توسط مترجم به زبان کردی ترجمه شده است. هر چند مترجم تمام تلاش خود را در امانت داری بکار گرفته است اما بعضاً از کلامتی مانند «باشور» (به جای کردستان عراق) یا «روژهلات» (به جای کردستان ایران) یا «ایران» (به جای جمهوری اسلامی) استفاده شده است که ترجمه درستی از ترم هابی که در متن اصلی مصاحبه به زبان فارسی استفاده شده است، نیست.

برای دریافت کتاب میتوانید با دبیرخانه حزب تماس بگیرید:

hekmatistparty@gmail.com



کارسازی هست که می تواند ده ها هزار کارگر صنایع فولاد را بهم وصل کند و به یک تصمیم و مبارزه ی واحد و مشترک برساند. یکی از این کارها فرستادن نمایندگانی از بخش های مختلف این صنعت بویژه در ذوب آهن، فولاد مبارکه، فولاد هرمزگان که بزرگترین کارخانه های تولید فولاد هستند، برای مشورت و تصمیم گیری و عمل مشترک و همزمان مثل اعتصاب و اعتراض بهر شکل ممکن است. می توان بیخبر از همدیگر و یا از طریق غیر مستقیم از مبارزات و اعتصابات بخش هایی اینجا و آنجا باخبر شویم. فقط حس مشترک طبقاتی و همسرنوشتی از راه دور کافی نیست. باید اقدام و عمل مشترکی در کار باشد.

یکی از این اقدامات، فرستادن نماینده ها و برقراری رابطه ای عملی و از نزدیک برای تصمیم گیری مشترک و اعلام مبارزه مشترک و همزمان است.

دوم این است که در هر کارخانه بویژه در بخش های بزرگ مثل فولاد مبارکه، فولاد اهواز، ذوب آهن، هرمزگان و... جنبش مجمع عمومی منظم کارگری برپا شود و تصمیمات مجمع عمومی بهمدیگر منتقل و اعلام گردد. مجمع عمومی منظم کارگری، مثل قلعه ای است که هر بخش و گردان کارگری در یک اتحاد محکم همه ی کارگران در آن سنگر می گیرند و غیر قابل تسخیر توسط کارفرما و دولت است. هیچ کارفرما و دولتی نمی تواند مجمع عمومی منظم و پایدار کارگری را تعطیل کند، کارگران را تهدید و یا اخراج کند و به خواست های کارگران تن ندهد یا طفره برد و یا حيله گری کند، مگر این که در بخش کارخانه را ببندد و از خیر تولید و سود بگذرد و این کار غیرممکن است.

اتحاد و هماهنگی و همبستگی ده ها هزار کارگر صنایع فولاد کشور از طریق ارتباطات منظم حضوری نمایندگان و پیک های کارگری و با اتکا به شرکت و دخالت همه ی کارگران در مجامع عمومی منظم و پایدار خود در هر کارخانه، بدون شک دستاورد و پیروزی معینی را در پروسه مبارزات و اعتصابات سراسری این بخش، نصیب کارگران خواهد کرد.

بعلاوه اتحاد و انسجام و همبستگی سراسری، کارگران را قادر می کند که بعنوان صاحبان واقعی کارخانه و صاحبان اصلی جامعه، در مقابل فساد و اختلاس و مخاطراتی که صحبت کردیم و ممکن است سرنوشت سیاهی برای تولید و تعطیلی و ورشکستگی صنایع فولاد رقم بزند و ده ها هزار کارگر دیگر را به سرنوشت آن صد هزار کارگری که در نتیجه ی خرابکاری های کارفرماها و دولت ببار آورده اند، دچار کند.

امروز وقت آن است که محافل کارگران سوسیالیست و فعالین و رهبران عملی کارگران به این اقدامات و عمل مشترک طبقاتی و اتحاد و همبستگی سراسری فکر کنند. جنبش مجمع عمومی منظم و پایدار کارگری را برپا سازند و از کلیه کارگران هر کارخانه، صفتی واحد تشکیل دهند که هیچ سرکوبی نمی تواند از عهده ی آن بر آید و هیچ صاحب کاری نمی تواند از زیر بار فشار این لشکر متحد و سراسری کارگری شانه خالی کرده و خواستهای فوری کارگران را پشت گوش بیندازد و یا امروز به فردا کند!

### چگونه فولاد آبدیده شد...

قطعی مکرر گاز و برق (زیان قطعی برق سالی هفت تا هشت میلیارد دلار برآورد می شود، ایران توان تولید حدود ۴۰ میلیون تن تولید را دارد اما وقتی سالی چهار ماه گاز و برق را از دست می دهیم، در واقع ۱۲.۵ میلیون تن تولید را از دست داده ایم)، کمبود مواد اولیه، حضور مدیران بی ارتباط و بی شعور در سوخت و ساز این صنعت، مدیران دولتی که نه با شرایط تولید آشنا هستند و نه با شرایط بازار، قیمت گذاری دستوری فولاد، تلافیات مالی و اختلاس (تنها یک مورد اختلاس در فولاد مبارکه اصفهان ۹۲ هزار میلیارد تومان است)، امنیتی کردن و محرمانه کردن محیط کار و امر تولید، پرداخت پولهای کلان به امامان جمعه و سپاه و همچنین پرداخت های مکرر فراوان به تعداد زیادی از رسانه های مکتوب، صدا و سیما و اکانت های مجازی آن ها تا بر این تاریکی و فساد بزرگ سرپوش گذاشته شود...

ممکن است ده ها هزار کارگر صنایع فولاد بگویند هیچکدام از این مسایل به ما مربوط نیست و یا بگویند از ما کاری ساخته نیست. ولی چرا! هم مربوط است و هم کاری ساخته است. همچنانکه ما در شرکت نیشکر هفت تپه دیدیم که اگر همه کارگران نبود، بود و نبود این شرکت برای کارفرما و دولت اهمیتی نداشت. اما برگردیم به این سوال که آیا شروع اعتصابات مکرر کارگران فولاد اهواز، چه تاثیری در بهبود شرایط کار و زندگی کارگران خواهد داشت؟ و آیا سرنوشت این اعتصاب می تواند بر سرنوشت کل این صنعت بزرگ اثر بگذارد؟ آیا کارگران هم در چرخه ی تبدیل سنگ و آهن به فولاد، خود نیز آبدیده می شوند؟ در اینجا صحبت از کم و کیف مبارزات و اعتصابات جاری فولاد اهواز نیست. در این شکی نیست که اعتصابات فولاد خوزستان یکی از بزرگ ترین اتفاق در مبارزه طبقاتی این دوره است.

اما چیزی که کل طبقه کارگر ایران و از جمله این بخش بزرگ صنایع فولاد کم دارد، بهم پیوستگی کارگران است. کارگرانی که علاوه بر سرنوشت مشترک، مطالبات و خواسته های فوری مشترک دارند. اگر فعلاً از نفت و پتروشیمی ها و خودروسازی ها بگذریم، خواست طرح طبقه بندی مشاغل و دیگر مطالبات کارگران اعتصابی فولاد اهواز خواست حدود یکصد هزار کارگر فقط در بخش صنایع فولاد کشور است. ده ها هزار کارگر صنایع فولاد کشور با سرنوشت و خواسته های مشترک می توانند نظاره گر مبارزه و تلاش و فداکاری چند هزار کارگر فولاد اهواز باشند. نمی توانند همسرنوشتان خود را بعنوان ناجی کل کارگران این بخش بزرگ نگاه کنند. انتظاری که می رود این است، کل کارگران این صنعت بزرگ به این تحرک طبقاتی همسرنوشتان در فولاد اهواز پیوندند. حرف من از حمایت نیست. حرف از پیوستن است. حرف از پیگیری خواست های مشترک است. حرف از مبارزه و اعتصاب و اعتراض همزمان و با هم است.

اما این کار خودبخودی نیست. راه هایی برای انجامش وجود دارد. راه حل های

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی

به حزب حکمتیست  
(خط رسمے) کمک مالے کنید!

کمک ہایتان را از ہر کانالے کہ خود مناسب  
میدانید، بدست ما برسائید.

پخش برنامه های نینا از کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت  
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در  
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نینا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena